گزارش

دکتر آذین موحد از برگزاری مسابقات گروه‌نوازی دانشجویان گفت

تقابل دانشگاه با موسیقی تجاری

گروه فرهنگ و هنر | مسابقات گروه‌نوازی در دو رشته موسیقی ایرانی و موسیقی کلاسیک امروز در تالار شهید آوینی دانشگاه تهران به کار خود پایان خواهد داد. این مسابقات که در راستای جلب‌توجه جوانان ایرانی به هنر نوازندگی و معیارهای زیباشناسانه آن شکل گرفته است با انتشار فراخوانی در دانشگاه‌های سراسر کشور کار خود را آغاز کرد و سرانجام با رقابت ۹ گروه در رشته موسیقی ایرانی و ۱۱ گروه در حوزه موسیقی کلاسیک، به کار خود پایان داد. دکتر آذین موحد، رییس دپارتمان موسیقی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «اعتماد» انگیزه برگزاری این مسابقات را دغدغه گروه موسیقی دانشگاه تهران برای اشاعه موسیقی در تقابل با جریان تجاری آن دانست و گفت: «ما مخالفتی با صنعت موسیقی یا شو-بیزنس نداریم ولی به دلیل آنکه احساس می‌کنیم سیاست‌های ملی در جهت معرفی و حمایت از همه سبک‌های مختلف نیست، به همراه برخی اساتید و اعضای هیات علمی دانشکده به این نتیجه رسیدیم تا مسابقه‌ای را در حوزه گروه‌نوازی بین دانشجویان دانشگاه‌ها برگزار کنیم. چون معتقدیم موسیقی فرآیندی فرهنگی-اجتماعی است که تفکر، مدنیت و نگاه افراد به زیبایی‌شناسی را شکل می‌دهد.»

دکتر موحد با اشاره به رشد جریان تجاری در موسیقی رایج امروز ایران گفت: «متاسفانه امروزه بخش اعظمی از جوانان ایرانی که به موسیقی علاقه‌مند هستند، صرفا برای پر کردن صفحه‌های مجازی (اینستاگرام‌شان) در این رشته تحصیل می‌کنند. این جریان عجیبی است که در ایران به‌شدت رشد کرده و ما معتقدیم در نظام دانشگاهی، که نقش بسیار مهمی در فرآیند علمی و زیباشناسانه موسیقی ایفا می‌کند، می‌توانیم خلاف این جریان با برگزاری چنین رویدادهایی رفتار کنیم.» دکتر آذین موحد سیاستگذاری‌های نادرست را عامل به وجود آورنده وضع نامتعادل موسیقی در این سال‌ها می‌داند و معتقد است به سبب نبود بسترهای تفکری هدفمند در نظام فرهنگی ما، همه موسیقی‌ها به یک میزان حمایت نمی‌شود: «امیدواریم بتوانیم این رویداد را به طور مداوم و سالانه یا هر دو سال یک بار برگزار کنیم تا جامعه ایران و به خصوص جوانانی که به موسیقی علاقه‌مند هستند، بتوانند رابطه‌شان را با موسیقی غیر تجاری حفظ کنند.» او در ادامه به سمینار «خلاقیت در موسیقی ایران» که دو سال پیش در دانشگاه تهران برگزار شد، اشاره کرد و برپایی مسابقات گروه نوازی را در همان راستا دانست و گفت: «امسال به این فکر افتادیم که با برگزاری یک مسابقه گروه نوازی، جوانان را به سوی نگاه آکادمیک جذب کنیم تا از طریق آن، قوه زیبایی‌شناسانه آنها را در مسیر درست ترغیب کنیم. به همین دلیل است که بعد از دو روز برگزاری این مسابقه، در روز آخر مستر کلاسی را برگزار می‌کنیم تا گروه‌های شرکت‌کننده در حضور اساتید و داوران، از چند و چون داوری اجراهای‌شان باخبر شوند و این اجراها را مورد بررسی قرار دهند.»

جریان غالب موسیقی ایران به سمت آثار و اجراهای تجاری رفته است که برای جذب مخاطب بیشتر، به هر ظرفیتی چنگ می‌اندازد. مدتی گروه‌نوازی با آنسامبل‌های عریض و طویل، آن هم با تلفیق سازهای ایرانی و غربی مد روز می‌شود و مدتی دیگر موسیقی آمیخته به هنرهای نمایشی و تصویری از هیچ تلاشی برای جذب مخاطب بیشتر کوتاهی نمی‌کند.

دکتر آذین موحد درباره اینکه چرا شاخه گروه‌نوازی را برای برگزاری این مسابقات در نظر گرفته‌اند به «اعتماد» گفت: «از طریق برگزاری جشنواره ملی موسیقی جوان تلاش‌های بسیار زیادی برای تقویت رویکرد تکنوازی در جوانان شده است. بنابراین اجرای این مسابقات در کنار این جشنواره می‌تواند معنادار باشد. همه ما معتقدیم هنر والای نوازندگی در تلفیق معیارها و اصول زیباشناسانه با گروه‌نوازی و همنوازی به اوج خود می‌رسد. اساسا در نظام‌های آکادمیک، برگزاری کلاس‌های موسیقی مجلسی یا گروه‌نوازی نقش بسیار مهمی در توسعه مهارت‌های تکنوازی هنرجویان دارند. در اصل با همنوازی است که نوازنده‌ها درک واقعی خود را از رنگ‌پردازی موسیقایی و ساختار موسیقی نشان می‌دهند.»

اما از آنجا که بخش اعظمی از جوانان موسیقی ایران بدون گذراندن دوره‌های آکادمیک، تنها به صورت خصوصی نوازندگی را فراگرفته‌اند به نظر می‌رسد برگزاری چنین مسابقاتی فقط بتواند بخش اندکی از جوانان را به سوی خود جلب کند. اما رییس دپارتمان موسیقی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران در این باره اشاره کرد: «در آغاز ما قصد داشتیم که این مسابقات را فقط برای دانشجویان موسیقی برگزار کنیم. اما چون نسبت به تطابق معیارهای زیبایی‌شناسی و نحوه انتقال آنها در دو رشته موسیقی کلاسیک و ایرانی، حتی در سطوح دانشگاهی هم مشکل داریم، درباره نوع رپرتوار اجرایی مشورت‌های زیادی با اساتید و داوران انجام دادیم. آن وقت بود که آنها هم این نکته را مطرح کردند که اگر بنا باشد به دل آحاد ملت دست پیدا کنیم و با آنها تعامل داشته باشیم، نباید کار را فقط به دانشجویان رشته موسیقی محدود کنیم. به همین دلیل مسابقه ما برای دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور تدارک دیده شده چنان که گروه‌هایی از دانشگاه شهید بهشتی و صنعتی شریف هم در این برنامه حضور دارند. اما برای کنترل معیار ضمنی و طیف‌سنجی مخاطبان، شرط اصلی را برمبنای «دانشجو بودن» اعضای گروه گذاشتیم هر چند در ادامه اعلام کردیم لزومی ندارد هم اعضای گروه دانشجو باشند بلکه مهم است که سرپرست گروه‌ها حتما دانشجو باشد.»

امروزه بخش اعظمی از جوانان ایرانی که به موسیقی علاقه‌مند هستند، صرفا برای پر کردن صفحه‌های مجازی‌شان در این رشته تحصیل می‌کنند. این جریان عجیبی است که در ایران به‌شدت رشد کرده و نظام دانشگاهی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند علمی و زیباشناسانه موسیقی ایفاکنند.

در نظام فرهنگی امروز ایران پیداست که به جریانی نیاز داریم که اهمیتی خاص برای مقوله زیبایی‌شناسی قایل شود. از طریق همین جریان است که در مقابل جریان صنعت هنر (در اینجا مشخصا موسیقی تجاری) می‌توان پافشاری کرد. آذین موحد در این باره گفت: «بحث ما این نیست که آن جریان را از بین ببریم چون به واسطه چرخش‌های مالی که برای نظام‌های سیاسی-اجتماعی ایجاد می‌کند، قدرت کلانی می‌خواهد. ولی وظیفه ما این است که برای حقانیت حرفه خودمان و ایجاد فرصت موازی، به بهترین شکل تلاش‌مان را انجام دهیم. حالا که نظام فرهنگی اجازه نمی‌دهد این اتفاق در صدا و سیما بیفتد، دانشگاه‌ها با پشتیبانی وزارت ارشاد می‌توانند در جهت عکس عمل کنند تا مردم حق انتخاب‌های بیشتری داشته باشند.» این استاد دانشگاه درباره لزوم حمایت‌های دولتی در راستای تداوم چنین جریانات هنری افزود: «ما لزوما نمی‌توانیم سیاستگذاری فرهنگی انجام دهیم چون اصلا کار دانشگاه این نیست. در اصل قصد داریم فرصتی برای جوانان ایجاد کنیم. طبیعی است اگر در این راه حمایت‌هایی صورت گیرد، این مسابقات می‌توانند به صورت سالانه یا هر دو سال یک بار برگزار شوند. خوشبختانه در این راستا دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم حمایت خودش را به طور کامل اعلام کرده است. از بستر این مسابقات اتفاق مهمی رخ می‌دهد و جوانان و گروه‌های برگزیده تا یک سال فرصت آن را دارند که رپرتوار خودشان را برای ضبط و نشر آماده کنند. این آلبوم‌ها در دو حوزه موسیقی کلاسیک و موسیقی ایرانی توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر خواهند شد.»

صنایع مستظرفه

موزه ملک میزبان هنر رو به احتضار ایرانی

نمایشگاه نقاشی پشت شیشه «شاهنامه چاپ سنگی...» برپا شد

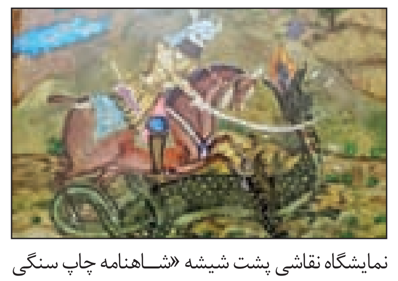

نمایشگاه نقاشی پشت شیشه «شاهنامه چاپ سنگی میرزا علیقلی خویی»، مجموعه آثار هنرجویان دوره آموزشی نقاشی پشت شیشه در کتابخانه و موزه ملی ملک روز گذشته زیر نظر مهرنوش بشارت، مدرس و استاد این هنر ازیادرفته ایرانی، با الگوگیری از تصویرگری‌های نسخه چاپ سنگی شاهنامه موجود در گنجینه کتابخانه و موزه ملی ملک افتتاح شد. این هنرمند در گفت‌وگو با «اعتماد» درباره برپایی نمایشگاه توضیح داد: «این برای اولین‌بار است که داستان‌های شاهنامه به این صورت پشت شیشه اجرا می‌شوند و از قضا کیفیت کار بچه‌ها قابل تامل و مثال زدنی است. این گروه نخستین تیمی هستند که این آثار را به شکل ترام و پیکسل کار می‌کنند. این روش بر اساس رنگ‌های دوران قاجار اجرا شده و پرداخت آنها به همان حالت اولیه و بدون دخل و تصرف اتفاق افتاده است.» به گفته بشارت این نمایشگاه حاصل دو سال تلاش گروهی هنرجویان جوان است. او در ادامه گفت: «سال ۹۱ نیز آثاری بر اساس اشعار مولانا کار شد که استقبال بازدیدکنندگان را به همراه داشت و موجب شد به برگزاری نمایشگاه دیگری فکر کنیم که حاصل آن حالا پیش روی همه قرار دارد.» او در پاسخ به این پرسش که آیا برپایی نمایشگاه‌های دیگر نیز در برنامه قرار دارد یا خیر توضیح داد: «به دلیل استقبال صورت گرفته ما برپایی نمایشگاه‌هایی براساس آثار دیگر مشاهیر ایرانی را در دستور قرار داده‌ایم که به صورت موضوعی در زمینه مشاهیر، اسطوره‌ها و روایت‌ها پیش خواهد رفت.» این هنرمند همچنین از ویژه‌برنامه‌های مرتبط با شاهنامه فردوسی در زمان برپایی نمایشگاه خبر داد که از آن جمله می‌توان به سخنرانی هادی سیف، پژوهشگر حوزه هنرهای تجسمی و اجرای نقالی (خوانش هفت خوان رستم) اشاره کرد. در استیت منت این نمایشگاه که روز گذشته سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت، همزمان با روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی آغاز شده است، می‌خوانیم: «در این نمایشگاه آثاری از بانوان هنرمند، شراره امامی، شکوفه اسلامی، صدیقه استادی، رویا پورنقی، سعیده جوشقانی، آزاده جویلی، زهرا رازی‌پور، نازنین عقاقیری، زهراسادات قاسم‌پور، معصومه قربانعلی، مهدیه قربانی و ماندانا میرفخرایی با همراهی آثاری از مهرنوش بشارت عرضه شده است. آثار موجود در این نمایشگاه با تکنیک ترام، نقاشی به سبک نقطه‌گذاری با روش وارد آوردن ضربه‌های اندک رنگ بر سطح پدید آمده و از تصویرسازی‌های خیالی میرزا علیقلی خویی در کتاب چاپ سنگی شاهنامه فردوسی برگرفته است.» علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه که برگزاری آن تا اواخر ماه مبارک رمضان ادامه دارد، می‌توانند در روزهای کاری موزه از ساعت ۹ تا ۱۶ به موزه ملک واقع در خیابان امام خمینی، خیابان ملل متحد (باغ ملی) مراجعه کنند.

موسیقی

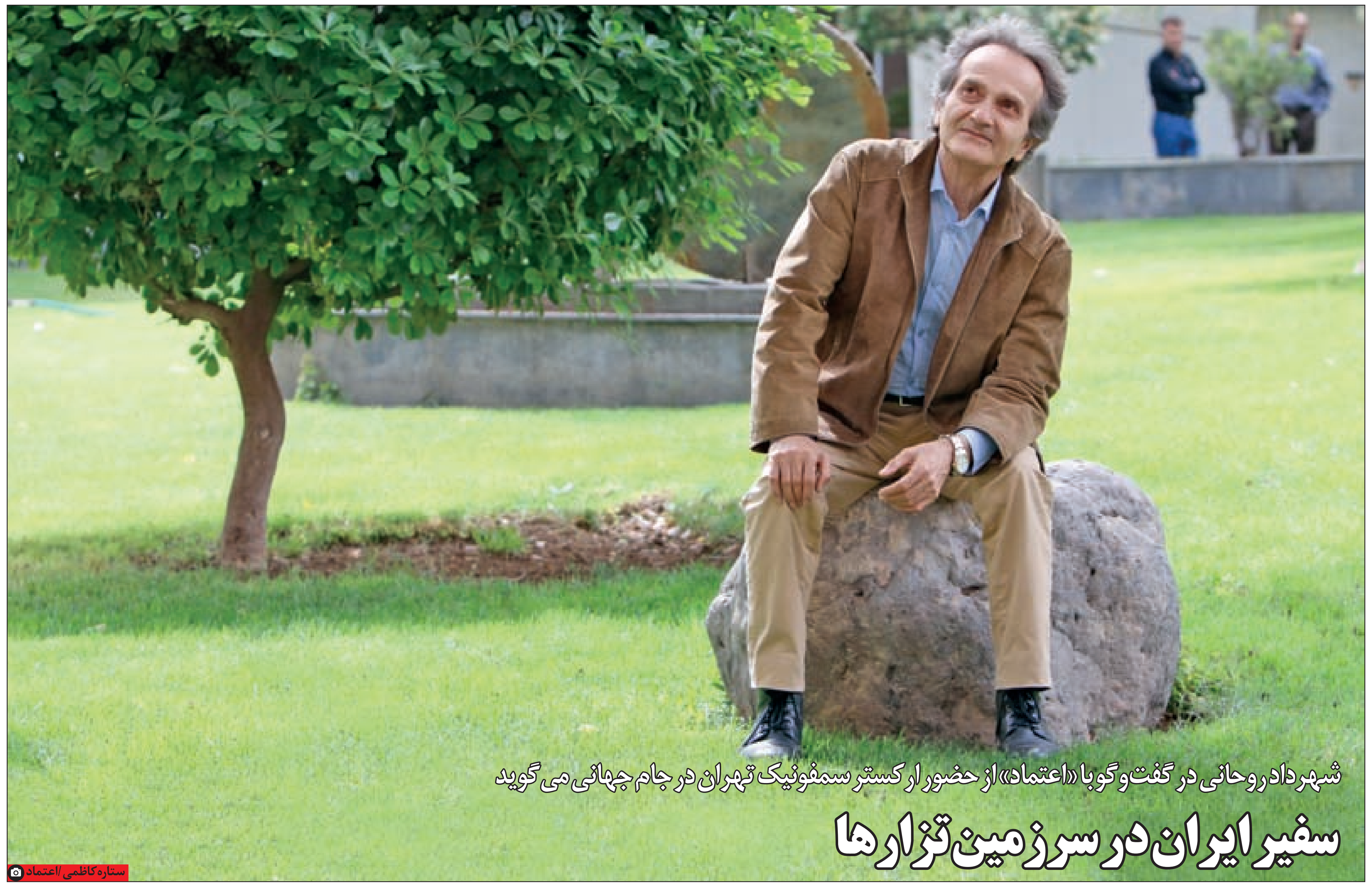

شهرداد روحانی در گفت‌وگو با «اعتماد» از حضور ارکستر سمفونیک تهران در جام جهانی می‌گوید

سفیر ایران در سرزمین تزارها

ستاره کاظمی /اعتماد

نیوشا مزیدآبادی

اگرچه ارکستر سمفونیک تهران با پیشینه ۸۵ ساله‌اش از قدیمی‌ترین ارکسترهای خاورمیانه به شمار می‌رود اما این سبقه طولانی دلیلی بر حضور مستدام و پیوسته آن بر بدنه هنری ایران نیست. از سال ۱۳۱۲ که غلامحسین مین‌باشیان ارکستر بلدیه را راه‌اندازی کرد، در برهه‌های زمانی مختلف و به فراخور فراز و نشیب‌های سیاسی-اجتماعی، این ارکستر هم پستی و بلندی‌های فراوانی را تحمل کرد. از تعطیلی در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۰ (به‌واسطه تبعات جنگ جهانی دوم و برکنار شدن مین‌باشیان) گرفته تا وقفه‌ای که در سال ۱۳۲۹ به دلیل مهاجرت پرویز محمود، رهبر این ارکستر به وجود آمد. هر چند تا اوایل دهه ۵۰ با کمک‌های دولتی و بودجه مستقل، ارکستر سمفونیک توانست کج‌دار و مریز به کار خود ادامه دهد اما با وقوع انقلاب ۵۷ و پس از آن جنگ بین ایران و عراق، این ارکستر باز هم دچار نابسامانی شد. چنان که سرانجام با انصراف حشمت سنجری از رهبری ارکستر در سال ۱۳۶۸ این ارکستر تعطیل شد. پس از سنجری رهبران مختلفی (مثل فرهاد مشکات، فریدون ناصری، نادر مشایخی، ایرج صهبایی و علی رهبری و غیره) زمام امور را به دست گرفتند اما گاه و بی‌گاه به دلیل نبود بودجه مشخص و کم‌اهمیت پنداشتن موسیقی (بالاخص موسیقی کلاسیک) سایه بی‌ثباتی و تشویش بر سر ارکستر و نوازندگانش پهن بود. حالا اگرچه سال‌ها از آن دوران مبهم و پراغتشاش، آخرین تغییر و تحولات ارکستر، غضب علی رهبری و عزیمتش از ایران می‌گذرد اما شهرداد روحانی بیش از دو سال است که چوب رهبری ارکستر را به دست گرفته و با برنامه‌ریزی مدون تلاش کرده تا نوازندگان جوان آن را برای حضور در عرصه‌های جهانی آماده کند.

ارکستر سمفونیک تهران قرار است ۲۸ اردیبهشت ماه در تالار وحدت روی صحنه رود اما این گفت‌وگو نه فقط درباره این اجرا بلکه درباره حضور آن در بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه است. شهرداد روحانی برای این اجراها دو قطعه‌سازی نوشته که قرار است در سه شهر روسیه (مسکو، کازان و سن‌پترزبورگ) به همراه برخی قطعات دیگر اجرا شود. با این آهنگساز و رهبر ارکستر درباره اجرای ارکستر سمفونیک تهران در تالار وحدت و البته چند و چون حضورش در بازی‌های جام جهانی فوتبال گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ در اجرای ۲۸ اردیبهشت ماه قرار است با ارکستر سمفونیک تهران قطعاتی از دورژاک، موزارت و بتهوون را روی صحنه اجرا کنید. در وهله اول بد نیست به این بپردازیم که رپرتوار اجرایی هر کنسرت را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟

در این کنسرت سعی کردم از موسیقی دوران کلاسیک و رمانتیک استفاده کنم؛ چنانچه اشاره کردید؛ یکی از قطعات اوورتور «Coriolan» از بتهوون خواهد بود که یک پیش‌درآمد برای نمایشی با همین عنوان است و ما هم به عنوان پیش‌درآمد کنسرت آن را اجرا خواهیم کرد. قطعه دیگر سمفونی شماره ۴۰ موزارت است که به نظر من سمفونی بسیار زیبایی است و احتمال می‌دهم مردم آن را شنیده باشند. در مجموع قصد داشتم قطعاتی انتخاب کنم که مردم بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. یکی از وظایف من به عنوان مدیر هنری و رهبر ارکستر سمفونیک تهران، این است که مردم را بیشتر با موسیقی کلاسیک آشنا کنم. متاسفانه در ایران، برخلاف کشورهای اروپایی که بچه‌ها از سنین کودکی تحت آموزش موسیقی قرار می‌گیرند، موقعیت آشنایی با موسیقی کلاسیک کمتر وجود دارد. البته سمفونی شماره ۴۰ موزارت یکی از قطعات معروف این آهنگساز است و در تمام دنیا اجرا می‌شود. مردم ما هم احتمالا با آن آشنا هستند. انتخاب این قطعات باعث می‌شود کسانی که کمتر با موسیقی کلاسیک آشنایی ندارند، توجه‌شان به ارکستر جلب شود و برنامه‌های ما و موسیقی کلاسیک را بیشتر دنبال کنند.

■ یک قطعه دیگر سمفونی شماره ۹ دورژاک، معروف به سمفونی «دنیای نو» است که حتما مردم ما موومان آخر آن را به خاطر دارند...

دورژاک سمفونی «دنیای نو» را در اولین سفرش به امریکا نوشته است. او براساس آثارش، جزو آن دسته از آهنگسازانی است که همواره سعی داشته از موسیقی فولکلور سرزمین مادری‌اش (چکسلواکی) وام بگیرد. دورژاک در «دنیای نو» پس از حضور در امریکا و برعهده گرفتن مدیریت کنسرواتوار ملی موسیقی این کشور، از موسیقی «جز» بهره می‌گیرد. چنان که می‌دانید، کشور امریکا برخلاف اروپا سابقه موسیقی کلاسیک ندارد اما موسیقی «جز» دستمایه آهنگسازی دورژاک در ساخت سمفونی «دنیای نو» شده است. او وقتی برای اولین‌بار وارد امریکا شد، تلاش کرد موسیقی فولکلور این سرزمین را پیدا کند. از این رو گام‌های «جز» توجه او را به خود جلب کردند. چهار موومان متضاد این سمفونی با مواد تماتیک یکسان، انسجام و یکپارچگی خاصی ایجاد می‌کنند. در نهایت در موومان چهارم همان گام‌های «جز» و تم‌های موومان‌های پیشین یادآوری می‌شود. او در مدت زمانی که مدیر کنسرواتوار موسیقی ملی نیویورک بود مدام به موسیقیدانان کلاسیک امریکا تاکید داشت از تم‌های موسیقی خودشان بهره بگیرند.

■ با توجه به کنسرت‌های اخیر ارکستر سمفونیک می‌توان گفت بیشتر از قطعات موزیسین‌های دوره رمانتیک مثل «ریشارد اشتراوس»، «شوپن»، «برامس» و غیره برنامه اجرا کرده‌اید. شما الان هم به عدم آگاهی مردم از موسیقی کلاسیک اشاره کردید و هم فرصت تمرین نوازنده‌های ارکستر که دو مولفه اصلی در انتخاب قطعات کنسرت‌های ارکستر سمفونیک تهران هستند اما تا چه حد سلیقه شخصی شما در انتخاب قطعات ارکستر سمفونیک دخیل است؟

من معتقدم برای آشنا کردن مردم با موسیقی کلاسیک، بهتر است از دوره‌های متاخر و به صورت پله‌پله شروع کنیم. ضمن اینکه در برنامه‌های بعدی ارکستر قرار است از آثار آهنگسازان فرانسوی مثل «کلود دبوسی» و «موریس راول» هم اجرا داشته باشیم. شکی در آن نیست انتخاب‌هایی که تا امروز صورت گرفته متاثر از سلیقه من نیز بوده است، ولی فقط سلیقه من دخیل نیست. شاید اگر فقط سلیقه من مطرح بود قطعات دیگری را برای اجرا با ارکستر انتخاب می‌کردم. هر بار که می‌خواهم رپرتوار اجرایی ارکستر را انتخاب کنم، باید در نظر بگیرم که آن قطعه تا چه حد قدرت نوازندگی نوازنده‌های ارکستر سمفونیک را بالا می‌برد. نیز باید در نظر بگیرم قطعات انتخابی با تعداد تمرین‌های ارکستر متناسب باشد. البته فراموش نکنید ما از «ایگور استراوینسکی» (آهنگساز روس) و برخی آهنگسازان معاصر ایران مثل احمد پژمان هم آثاری را اجرا کرده‌ایم و بنا داریم در برنامه‌های آینده از دیگر آهنگسازان ایرانی کارهایی را روی صحنه ببریم. در مجموع باید بگویم این مسائل به گذر زمان نیاز دارد اما من فکر می‌کنم ارکستر سمفونیک، امتحانش را ــ در انتخاب قطعات و جذب مخاطب ــ پس داده است. تا امروز، تمام بلیت‌های کنسرت‌های ما از هفته‌ها قبل تمام شده در صورتی که قبلا این طور نبود. این استقبال نشان می‌دهد مردم به موسیقی کلاسیک و ارکستر سمفونیک علاقه‌مند شده‌اند.

شهرداد روحانی: به نظر من این سفیران فرهنگی اگرچه کم هزینه و کم دردسر هستند اما می‌توانند از بعضی مذاکره‌کنندگان موثرتر باشند. حضور ارکستر سمفونیک تهران در کنار تیم ملی هم می‌تواند همین حکم را داشته باشد. ما در سه شهری که تیم ملی بازی دارد، کنسرت خواهیم داشت که اتفاق بسیار فرخنده‌ای است.

■ شما وقتی به ایران بازگشتید تا رهبری ارکستر سمفونیک تهران را برعهده بگیرید قطعا رویاها و خواسته‌هایی داشتید که شما را به این کار ترغیب می‌کرد. حتی خاطرم هست در نامه‌ای به وزیر ارشاد نگرانی‌تان را از سرنوشت این ارکستر ابراز کردید. حالا بیش از دو سال از رهبری شما بر ارکستر سمفونیک تهران می‌گذرد. در این مدت چقدر توانسته‌اید به رویاهای‌تان برسید و چقدر از این خواسته‌ها دست‌نیافتنی بوده است؟

من وقتی مسوولیت ارکستر سمفونیک تهران را برعهده گرفتم، می‌دانستم این ارکستر را در چه شرایطی دارم تحویل می‌گیرم. نیز می‌دانستم شرایط و اوضاع موسیقی در کشورم به چه صورت است. بنابراین با آگاهی از این مسائل، رهبری ارکستر سمفونیک را پذیرفتم و باید بگویم آرزو یا رویای خامی نداشتم که غیر طبیعی باشد. توانایی نوازنده‌های ارکستر ما مشخص است اما من به عنوان رهبر، باید طوری برنامه‌ریزی می‌کردم که روز به روز کیفیت بهتر شود، مخاطبان بیشتری جذب موسیقی سمفونیک شوند و نوازنده‌ها را از مسائل حاشیه‌ای دور کنیم. به جرات می‌توانم بگویم، روز به روز به آن برنامه‌ای که از پیش در نظر داشتم، رسیده‌ایم و هنوز هم در حال ادامه دادن هستیم. اگرچه هنوز به آن نقطه ایده‌آل مورد نظرم نرسیده‌ایم اما خوشبختانه داریم در مسیر درستی گام برمی‌داریم و بسیار خوشحالم این پیشرفت رخ داده است. ارکستر سمفونیک روز به روز بهتر شده و جو حاکم بر آن بسیار حرفه‌ای و سالم است، بدون هیچ مشکل حاشیه‌ای. البته جا دارد اینجا از بنیاد رودکی و شخص آقای علی‌اکبر صفی‌پور (مدیرعامل بنیاد رودکی) تشکر کنم. چون من فقط بخشی از کار هستم و تنها مسائل هنری ارکستر را پیش می‌برم. اگر مسائل اداری ارکستر، حقوق نوازنده‌ها و بیمه آنها درست نباشد مشکل ایجاد می‌شود و با همکاری‌هایی که به نحو احسنت انجام شده توانسته‌ایم از این مسائل دور باشیم و مشترکا کار را پیش ببریم. کار ما یک کار گروهی است و با تک‌روی انجام نمی‌شود. اگر تکروی وجود داشته باشد همان مسائل گذشته دوباره تکرار می‌شود ولی وقتی همه احساس کنند که این کار، گروهی است و هر کس به بهترین شکل وظیفه‌اش را پیش ببرد، شاهد پیشرفت مجموعه خواهیم بود.

■ شاید به عنوان یکی از مظاهر این پیشرفت بتوانیم به اجرای مشترک ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ایتالیا به رهبری ریکاردو موتی اشاره کنیم که اتفاق بسیار مهمی بود...

وقتی رهبر بزرگی مثل ریکاردو موتی که در تمام دنیا مطرح است پس از اولین تمرین ارکستر سمفونیک به اتاق من می‌آید و می‌گوید: انتظار نداشتم ارکستر شما قطعات «جوزپه وردی» را اینقدر خوب اجرا کند، برای من بهترین علامت از سطح پیشرفت ارکستر است. او قبل از اینکه به ایران بیاید رپرتوار اجرایی را مشخص کرده بود و من آن را با نوازنده‌ها تمرین کرده بودم. ایتالیایی‌ها می‌گویند وردی یعنی خود ایتالیا! آن قدر به او افتخار می‌کنند و موسیقی‌اش را می‌شناسند که اگر جایی کم و کاستی وجود داشته باشد، مطمئنا متوجه می‌شوند. وقتی «موتی» بعد از اولین تمرین ارکستر اینچنین به وجد می‌آید نشان می‌دهد کار درست انجام شده و صحیح پیش رفته است. بعد از آن اجرا ارکستر سمفونیک برای حضور در فستیوال «راونا» ایتالیا دعوت شد و جلوی تقریبا ۱۸۰۰ نفر، به همراه ارکستر ایتالیا برنامه اجرا کرد. جالب است بدانید تلویزیون سراسری ایتالیا (Rai) هم این برنامه را ضبط و پخش کرد. این موارد نشان می‌دهد که امروز پس از سال‌ها تلاش و زحمت، ارکستر در سطح خوبی است و توانسته از پس چنین اجرایی برآید. خوشبختانه ارکستر سمفونیک تهران به عنوان یک مجموعه فرهنگی، جای خودش را در سطوح مختلف کشور باز کرده و این ساده به دست نمی‌آید.

■ ارکستر سمفونیک خوشبختانه حالا آنقدر جایگاه خود را پیدا کرده که قرار است به همراه تیم ملی فوتبال ایران برای اجرا در روسیه اعزام شود. این اتفاق چقدر در همه دنیا مرسوم است؟

اگر اخبار اخیر را دنبال کرده و در جریان ملاقات کره شمالی و جنوبی باشید، حتما می‌دانید این اتفاق بی‌سابقه بوده است چون همیشه احتمال جنگ بین این دو کشور وجود داشت. مذاکرات بین دو کره از بازی‌های زمستانی در کره جنوبی آغاز شد و برای اولین‌بار کره شمالی در این بازی‌ها حضور پیدا کرد. هر چند این کشور مقامی کسب نکرد اما توانست از این رویداد به نحو احسنت در ایجاد مذاکره استفاده کند. در همین بازی‌ها بود که اعضای ارکستر سمفونیک کره شمالی و خوانندگان کر آن کشور، تیم اعزامی خود را همراهی کردند. حضور این ارکستر باعث دوستی بین دو کشور شد چنانچه الان در همه دنیا صحبت از این اتفاق است. به نظر من این سفیران فرهنگی اگرچه کم‌هزینه و کم‌دردسر هستند اما می‌توانند از بعضی مذاکره‌کنندگان موثرتر باشند. حضور ارکستر سمفونیک تهران در کنار تیم ملی هم می‌تواند همین حکم را داشته باشد. ما در سه شهری که تیم ملی بازی دارد، کنسرت خواهیم داشت که اتفاق بسیار فرخنده‌ای است. در این کنسرت قرار است قطعاتی از آهنگسازان روس مثل «چایکوفسکی»، «موسورگسکی» و آهنگسازان کلاسیک چک مثل «دورژاک» اجرا کنیم. در عین حال با اجرای برخی قطعات از آهنگسازان ایرانی مثل حسین دهلوی، احمد پژمان و حشمت سنجری سعی در معرفی آنها به مردم دنیا داریم. اما از آنجا که این مراسم یک رویداد ورزشی است، بنیاد رودکی نیز چند قطعه به چند آهنگساز سفارش داده تا در این کنسرت‌ها اجرا شوند. از جمله قطعات، دو اثر از من است که برای این رویداد نوشته‌ام. بنابراین در یک برنامه چند منظور را پی می‌گیریم؛ افزایش توانایی ارکستر سمفونیک تهران، اجرای آثار آهنگسازان روس و اجرای آثار تعدادی از هنرمندان خودمان که در همان شیوه آهنگسازی می‌کنند. شاید جهانیان درک درستی از جریان فرهنگی و هنری ایران نداشته باشند اما با چنین رویدادهایی می‌توان به شناخت هرچه بیشتر و بهتر هنر ایران کمک کرد. من معتقدم گروه‌های هنری دیگر هم می‌توانند سفیران فرهنگی خوبی برای کشور ما در دنیا باشند.

■ کشوری مثل روسیه بعد از اتریش، شاید دومین مهد موسیقی جهان باشد که آهنگسازان بسیار شاخصی هم دارد. اجرای ارکستر سمفونیک تهران در چنین کشوری شجاعت و جسارت زیادی می‌خواهد. آیا واقعا ارکستر سمفونیک ما توان این را دارد تا برای مردمی که موسیقی کلاسیک را به خوبی می‌شناسند برنامه اجرا کند؟

من برای این اجراها روزشماری می‌کنم. ای کاش اجرای ما همین فردا بود تا روس‌ها می‌دیدند ارکستر سمفونیک تهران در چه سطحی است. اتفاقا ارزش کار ما هم در همین است. ما قصد نداریم ارکسترمان را با ارکستر فیلارمونیک برلین یا ارکستر مارینسکی روسیه مقایسه کنیم. همانطور که رویارویی تیم ملی ایران با تیم‌های برتر جهان مثل اسپانیا و پرتغال را باید به فال نیک بگیریم این اتفاق هم مهم است. نباید با ناامیدی بگوییم که تیم ما حتما بازنده می‌شود. همین که این موقعیت پیش آمده که در سطح جهانی با بزرگ‌ترین تیم‌های دنیا مسابقه دهیم، نشان می‌دهد ما به سطح قابل قبولی رسیده‌ایم. همین جریان درباره ارکستر سمفونیک تهران هم صادق است. من روزشماری می‌کنم تا در روسیه روی صحنه برویم و نشان دهیم ارکستر سمفونیک تهران از عهده این کار برمی‌آید. به این ترتیب نه تنها با اجرای آثار آهنگسازان آنها بلکه با اجرای قطعات آهنگسازان خودمان، هنر این سرزمین را به روس‌هایی که شاید شناخت دقیقی از ما نداشته باشند، معرفی می‌کنیم. البته نباید این نکته را فراموش کنیم که ممکن است قیمت یکی از سازهای نوازندگان اروپایی به اندازه تمام سازهای ارکستر سمفونیک ما باشد. این مساله در صدادهی ارکستر تاثیر بسیار زیادی دارد. هیچ شکی نیست ما کمبودهایی داریم اما نباید بگوییم چون این کمبودها هست نباید کاری انجام دهیم. کاش می‌شد سازها و ابزارهای بهتری داشته باشیم که تاثیر مستقیمی بر صدادهی ارکستر می‌گذاشتند اما به هر حال این تمام داشته‌های ما است و باید بهترین توانایی‌مان را بر مبنای آن نشان دهیم.

■ شما هیچ پیشنهادی به بنیاد برای خرید ساز یا در نظر گرفتن تسهیلات برای نوازنده‌ها نداده‌اید؟

ما پیشنهادهایی داده‌ایم و تا حدودی هم کارهایی انجام شده است ولی نمی‌توان به یک‌باره انتظار داشت تمام این کاستی‌ها مرتفع شوند. یک ویلنسل (نسبتا معمولی) بین ۱۵ تا ۲۰ هزار یورو قیمت دارد و نمی‌توان آن را به راحتی تهیه کرد. از سوی دیگر میانگین سنی ارکستر سمفونیک تهران حدود ۲۴-۲۳ سال است و از این منظر ارکستر بسیار جوانی است. این ارکستر جوان احتیاج به زمان، تجربه و تمرین دارد تا جای خودش را در سطح بین‌المللی باز کند اما خوشبختانه با در نظر گرفتن تمام این شرایط به نظر من بسیار خوب پیش رفته‌ایم و بالاخره به نقطه ایده‌آل‌مان خواهیم رسید.

■ پیش از این شما به عنوان آهنگساز هم بسیار فعال بودید اما به نظر می‌رسد در این دو سال بیشتر روی رهبری ارکستر تمرکز داشته‌اید. با این حال قرار است دو قطعه تازه از ساخته‌های‌تان برای اجرا در بازی‌های جام جهانی توسط ارکستر سمفونیک تهران آماده شود. درباره این قطعات و ساختار آنها بیشتر توضیح می‌دهید؟

طبیعتا این روزها بیشتر تمرکز من روی ارکستر سمفونیک است و فرصت کمتری برای آهنگسازی دارم. اما با این حال کار آهنگسازی‌ام را نیز ادامه می‌دهم مثل دو قطعه‌ای که برای بازی‌های جام جهانی ساخته و سعی کرده‌ام تا حال و هوای این رویداد مهم ورزشی را در موسیقی‌ام پیاده کنم. من حدود ۲۰ سال پیش هم تجربه‌ای شبیه به این داشتم. وقتی ایران در بازی‌های آسیایی تایلند در شهر بانکوک حضور پیدا کرد از من و آهنگسازان دیگری از کشورهای مختلف درخواست شد تا برای افتتاحیه و اختتامیه قطعاتی بنویسیم. من دو قطعه نوشتم که به همراه یک گروه کر ۲۰۰ نفره با ارکستر سمفونیک بانکوک اجرا شد. بنابراین وقتی پیشنهاد ساخت قطعاتی برای بازی‌های جام جهانی مطرح شد، برایم بسیار خوشایند بود. من سعی کردم در این دو قطعه شور و حرکت ورزش را حفظ کنم و به عنوان یک آهنگساز ایرانی، از وجوه موسیقی سرزمینم بهره بگیرم.

■ پیش از این قرار بود علیرضا قربانی به عنوان خواننده یکی از این قطعات، ارکستر سمفونیک را در روسیه همراهی کند اما از این کار انصراف داد. دلیل این انصراف چه بود؟

آن قطعه چیز دیگری بود و قرار بود آقای علیرضا قربانی از روی شعر زیبایی از آقای ساعد باقری با محتوای ملی-میهنی بخوانند اما به دلیل برخی مسائل شخصی ترجیح دادند در این برنامه حضور نداشته باشند. اما من برای این بازی‌ها دو قطعه‌سازی نوشته‌ام که مولفه‌ها و مشخصه‌های ایرانی دارند.

■ وقتی صحبت از مولفه‌های ایرانی می‌شود اولین تلقی استفاده از سازهای ایرانی است. آیا در این قطعات از سازهای ایرانی بهره گرفته‌اید یا اینکه ساختار کلی موسیقی برگرفته از مولفه‌های موسیقی ایرانی است؟

برای رسیدن به هویت ایرانی می‌توان از این سازها در آنسامبل ارکستر بهره برد اما استفاده از سازهای ایرانی، صرفا قطعه را ایرانی نمی‌کند. کما اینکه اگر قطعه‌ای برای ارکستر سمفونیک بنویسید لزوما غربی نخواهد بود. مثلا قطعاتی که احمد پژمان، حشمت سنجری یا حسین دهلوی برای ارکستر سمفونیک نوشته‌اند اگرچه ساختار ارکستر غربی دارند اما وقتی اجرا می‌شوند پیداست که آهنگسازی از مشرق‌زمین آنها را نوشته است. من هم در قطعاتی که ساخته‌ام تلاش کرده‌ام تا این قوانین را رعایت کنم

■ در خبرها اعلام شده بود ترکیبی از دو ارکستر سمفونیک و ملی برای اجرا در روسیه آماده می‌شوند. این ترکیب به چه شکل خواهد بود؟

وقتی به چنین سفرهایی می‌روید محدودیت‌هایی از نظر هزینه وجود دارد. چنانچه اعلام شده قرار است تعدادی از نوازنده‌های ارکستر ملی به ارکستر سمفونیک اضافه شوند. بنابراین ما مجبور شدیم ارکستر سمفونیک را کمی کوچک‌تر کنیم تا برخی از نوازنده‌های ارکستر ملی به ما ملحق شوند.

■ نوازنده‌های ارکستر سمفونیک تهران اکثرا یا فارغ‌التحصیلان هنرستان موسیقی هستند یا دانشجویان دانشکده‌های موسیقی. با توجه به اینکه شما در تعامل مستقیم با آنها قرار دارید، وضعیت آموزش موسیقی در ایران امروز را چطور ارزیابی می‌کنید؟

جا دارد اینجا از معلمانی که دارند هنرجو تربیت می‌کنند تشکر کنم. معلم‌ها کار بزرگی انجام می‌دهند. ۹۹،۹ درصد این نوازنده‌ها در ایران تحصیل کرده‌اند. ما پیش از این با کمبود نوازنده هارپ در ایران روبرو بودیم و این مساله همیشه مشکل‌ساز بود اما با تعلیم معلمان خوبی که در این رشته فعال هستند در حال حاضر چهار نوازنده هارپ برای ارکستر داریم که نشان می‌دهد آنها کار خودشان را به بهترین شکل انجام داده‌اند. ولی این کار باید مثل دوره‌ای که من در ایران درس می‌خواندم، سیستماتیک شود. آن زمان از ۱۰ سالگی وارد هنرستان موسیقی می‌شدیم و با برنامه‌های مدون و معلمان خوبی که برای ما در نظر گرفته شده بود، قدم به قدم پیش می‌رفتیم تا به مرحله اخذ دیپلم و بعد هم دانشکده و دانشگاه برسیم. الان این سیستم به هم ریخته است. با این حال همین نزدیک ۸۰ نفر نوازنده ارکستر سمفونیک، همه تعلیم دیده هنرستان‌ها، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی هستند. معلمان کارشان را خوب انجام می‌دهند و نمونه آن شاگردانی است که به بدنه ارکستر اضافه شده‌اند ولی برای به ثمر رسیدن یک نتیجه ایده‌آل نیازمند حمایت دولتی آن هم در همه شهرها (و نه فقط در تهران) هستیم. کاش می‌شد هر شهری یک هنرستان موسیقی فعال داشته باشد. هر چند در حال حاضر بعضی شهرها هنرستان موسیقی دارند، اما کامل نیستند چون در کل حمایت علمی و آکادمیک از آنها نمی‌شود. اینها کمبودهایی است که به بدنه موسیقی ما آسیب می‌رساند. اگر حمایت از این نسل مورد توجه قرار می‌گرفت و بودجه روشنی داشت، نتیجه بهتری می‌گرفتیم. ما جوانان با استعداد زیاد داریم اما امکانات کافی ندارند.

■ همین چند روز پیش دیدم که بنیاد رودکی فراخوانی برای جذب نوازنده صادر کرده بود. این نوازنده‌ها قرار است به بدنه ارکسترها تزریق شوند یا اینکه برنامه دیگری دارید؟

خوب است که این فراخوان‌ها صادر شود چون معتقدم یک کشور نباید فقط یک ارکستر سمفونیک داشته باشد. ما باید ارکسترهای مختلف داشته باشیم. من پیشنهاداتی مبنی بر تشکیل ارکسترهای متنوع داده‌ام که این فراخوان بیشتر آن بخش را در برمی‌گیرد. هر چه تعداد نوازنده‌ها بیشتر باشد تعداد ارکسترهایی که می‌توانند شکل بگیرند هم بیشتر می‌شود. خوب است ما از شهرستان‌های مختلف نوازنده‌ها را برای حضور در ارکسترهای مختلف دعوت کنیم تا فعالیت‌شان را به‌صورت حرفه‌ای دنبال کنند.

ادامه از صفحه اول

شاهنامه، تاریخ به زبان رویا

به گفته خود ۳۰ سال عمرسوزی کرده تا چنین دسترنجی پدید آمد. گویا یک بار نسخه‌ای در سال ۳۸۴ به پایان رسانیده و بار دیگر در ۴۰۰ هجری تحریری تمام کرده‌است.

فردوسی دهقان‌زاده بوده. دهقان نه به معنای رعیت بل به معنای قدیمی آن یعنی نجیب‌زاده، خرده ملاکی که اهل معرفت بود و دلیری. هرچند این دهقانان خود از رعایا مالیات می‌ستاندند و با اعراب بده بستان داشتند اما در عین حال، با تسلط قوم عرب مخالفت می‌ورزیدند و از زمان ساسانیان پاسدار فرهنگ ایران بودند.

اما گویا فردوسی خود برای تدوین شاهنامه هست و نیستش را داده. او جابه‌جا در شاهنامه از شرایط سختش می‌نالد.

نماندم نمکسود و هیزم نه جو
نه چیزی پدیداست تا جو درو
بدین تیرگی روز هول و حراج
زمین گشت از برف چون گوی عاج

بستر تاریخی و تدوین نامه‌ی داستان

دوران متلاطم فردوسی خود قابل توجه است چرا که ما بی‌نگاه به آن دوران پس از هزارسال گویی همین امروز با او سلفی گرفتیم و او در هپروت هزارساله دست و پا می‌زند. دوران پر تلاطمی که از افول ساسانیان آغاز شده و به غزنویان می‌رسد و مسیر چهارصدساله‌ای را برای جبران شکست طی می‌کند. در این دوران پس از حمله تازیان و خلفای اموی و عباسی که زبان عربی زبان اول ایرانیان می‌شود، به تدریج با کشاکش بسیار صفاریان و سامانیان تقلای بازیابی هویت ایرانی، عاملی می‌شود برای بازگشت به گذشته. در آغاز این کار با ترجمه فارسی قرآن آغاز می‌شود و سپس‌تر با بازنوشت و گردآوری آثار باستانی تداوم می‌یابد.

یکی نامه بود از گهِ باستان
فراوان بدو اندرون داستان
پراکنده در دست هر موبدی
از او بهره‌ای نزد هر بخردی

پیش از او دقیقیِ زرتشتی هزار بیت آن را سروده بود که با به قتل رسیدنش ناکام ماند. این کار فردوسی ارج نهادن به کار دقیقی است اما در عین حال به قیاس، از قدرت تصویرسازی و صحنه‌آرایی برابرِ دقیقی می‌گوید.

همزمانیِ فردوسی هم با قول استاد جنیدی با محمود غزنوی همسان نیست. محمود در زمان سرودن شاهنامه هشت‌ساله است. در تاریخ بیهقی هم از شاعران همزمان او، نامی از فردوسی نیست. در متون شاهنامه فلورانس، او مدح محمود نگفت. حسن میمندی در این نسخه، عکس نسخه‌های دیگر، دشمن فردوسی است. او سلطان محمود را از دادن زر به فردوسی وا می‌نهد و به جای زر، سیم در آن نهاده و به فردوسی پس می‌فرستد که باعث خشم محمود شده و او به میمندی دشنام می‌دهد. این افسانه‌سازی‌ها البته در داستان‌های سوزناک دختر دم‌بخت فردوسی و مرگ او هنگامه می‌کند که به قول مینوی محلی از واقعیت ندارد.

شاهنامه کتابی در ستایش شاهان است؟

جنیدی می‌گوید که سامانیان و غزنویان شاه نبودند و تنها القاب موجود در اسناد تاریخی آن دوران لقب امیر بوده و بس. از این رو حتا شاهنامه کتابی منظوم در رسای شاهان نیست بل داستان شاهان است. شاه در اینجا، برگرفته از خدای است که شاه و خدا برابرند. یکی اما در آسمان و دیگری در زمین.

کتاب «خدای نامک» یا شاهنامه منصوری کتابی است به نثر و منبع مهم برای فردوسی. به گفته استاد ذبیح‌الله صفا خدای همان شاه است و خدای نامک تاریخ شاهان. از سویی خودِ فردوسی در هیچ جای کتابش آن را شاهنامه نخوانده. بل گفته:

نباشی بر این نیز همداستان
یکی بشنو از نامه باستان
بمانم به گیتی یکی داستان
از این نامور نامه‌ی باستان
یا: کنون باز گردم به آغاز کار
سوی نامور شهریار
بدین نامه شهریاران پیش
بزرگان و جنگی سواران پیش

همین طور: نامه‌ی نامور، نامور نامه، فرخ نامه، نامه‌ی پارسی و... نامیده است. او این کتاب را در شصت‌هزار بیت سروده که ده‌هزار بیتش مفقودشده. سه بخش دارد: اساطیری. حماسی و تاریخی.

آمیختگیِ اسطوره و حماسه و تاریخ البته در همه‌ی این سه بخش وجود دارد. فرازهایی از پهلوانان اشکانی یا دیدگاه‌های آیین مهری و زرتشتی در این بخش قابل توجه است که خود مبحث مفصلی را می‌طلبد. از کیومرث که نخستین انسان (انسان کامل) است، خدای نباتی که با رویاندن ریواس خود زن و مرد نخستین را می‌آفریند. این اسطوره آفرینش البته در دوران باستانِ میانه، یعنی ساسانیان، توسط مغ‌های زرتشتی در بهینه‌سازی اوستا صورت می‌گیرد. رستم و نیاکانش تبلور این سنت مهری‌اند و اسفندیار پهلوانان زرتشتی. اینکه جمشیدشاه، شاه نبود، خدایی است -یم- هندیی که عامل زایش آدمی است. همچون رستم که ایزدی هندی ایرانیست همچون ایندرا خدای جنگ که پس از گذر تاریخ در دوره اشکانیان پهلوانی می‌شود بر ساخته‌ی فردوسی (رستم در اوستا نیست). یا خودِ آژدی هاک که اژدهای سه سر و سه پوز است و در شاهنامه پا بر زمین می‌گذارد می‌شود ضحاک ماردوش و کشنده جمشید و مغلوب فریدون. در شاهنامه نیروهای رازآمیز آسمانی، اسطوره و افسانه به واقعیت بدل می‌شود و ماوراءطبیعت به عرصه طبیعت فرود می‌آید. از این رو شاهنامه در جوهر خود واقع‌گراست. شاهنامه حماسه تاریخی و درونمایه آن تاریخ ایران است. (ارمغان مور. مسکوب)

سخن هرچه گویم همه گفته‌اند.

بر باغ دانش همه رُفته‌اند

شاهنامه متکی به داستان‌های پیشین باستانی است. اما پیش از آنکه به متن‌های پهلوی زرتشتی وابسته باشد، به سنت زنده و پویای روایات شفاهی و گاه مکتوب شرق ایران وابسته است و به همین دلیل با متون حماسی اوستا تفاوت دارد هرچند به گمانی خودِ شاهنامه یکی از منابع زرتشتی است. او راوی داستان‌های شرق ایران است و از این رو در شاهنامه از داستان‌های جنوب ایران کمتر نشانی است. به عبارتی حکیم توس ناظمی است که داستان‌های پیشین خود را به نظم درمی‌آورد.

ادامه دارد

نمایشگاه

نمایشگاه قرآن کریم و حضور پررنگ فرهیختگان

گروه فرهنگ و ادب | بیست و ششمین دوره از نمایشگاه قرآن کریم در حالی برگزار می‌شود که بیش از ۲۰ موسسه بین‌المللی معتبر جهانی برای شرکت، اعلام آمادگی کرده‌اند. آنگونه که دست‌اندرکاران برگزاری این جشنواره و نمایشگاه جهانی گفته‌اند، امسال علاوه بر برنامه‌های معمول در سال‌های گذشته، برنامه‌های متنوع و جذاب دیگری برای استفاده هرچه بیشتر بازدیدکنندگان افزوده‌شده‌است.

فعالیت‌های هنری، علمی و آموزشی

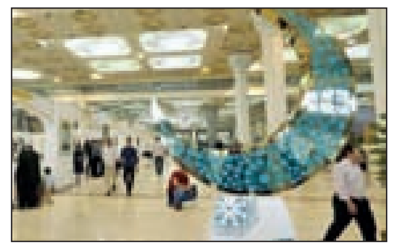

نمایشگاه قرآن کریم که هرساله همزمان با فرارسیدن ماه مبارک رمضان، در تهران برگزار می‌شود، یکی از نمایشگاه‌هایی است که در تعدد برنامه‌های مربوط به علوم قرآنی کم‌نظیر است زیرا زیربناهای محتوایی و برنامه‌ریزی‌های منسجم فرهنگی-هنری، علمی و آموزشی را توامان در دل خود دارد. برپایی نمایشگاه قرآن کریم و افزون شدن مراکز فعال جهانی و همچنین آمار بازدیدکنندگان در هر سال، نشان می‌دهد که این نمایشگاه تا حد زیادی توانسته به اهداف خود در زمینه هدیه و آموزش علوم قرآنی موفق عمل کند. علاوه بر مهمانان موسسات بین‌المللی حاضر در نمایشگاه امسال، چند وزارتخانه و مرکز دانشگاهی و نهاد مردمی و مراکز حوزوی نیز در این رویداد شرکت دارند.

برنامه‌های ویژه برای نابینایان

یکی از مسوولان برگزارکننده این دوره از نمایشگاه، گفته است که همزمان با این دوره از جشن بین‌المللی قرآن کریم، در ۱۷ استان کشور، جشن رمضان برگزار می‌شود که بخشی از بُن‌های خرید محصولات قرآنی به استان‌ها اختصاص پیدا می‌کند. همچنین از جمله کارهای ویژه ما در این نمایشگاه، رونمایی از نخستین شماره نشریه «شبنم» همزمان با نخستین روز نمایشگاه قرآن است؛ سعی می‌کنیم تا پایان سال ۹۷ حداقل ۱۰ شماره از این نشریه را منتشر کنیم. رسیدگی به امور نابینایان از دیگر اولویت‌های ما در دوره جدید نمایشگاه خواهد بود به این‌صورت که حداقل پنج راهنمای اختصاصی از خواهران و برادران برای نابینایان در نمایشگاه در نظر گرفته خواهد شد. به گزارش ستاد خبری بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم او گفته که «برنامه‌محوری» از دیگر رویکردهای اصلی دوره بیست و ششم نمایشگاه قرآن است. ما نمایشگاه را تماشاخانه نمی‌دانیم، بلکه آن را به چشم یک جشنواره بزرگ قرآنی با جنبه‌های مختلف هنری، محتوایی و فرهنگی می‌بینیم که شخصیت‌ها و نهادها و مراکز قرآنی از سراسر کشور با طرح و برنامه امکان مشارکت در آن را دارند. تلاش کردیم نمایشگاه قرآن را از روزمرّگی و انفعال خارج کرده و موثر واقع شویم. همچنین در این دوره با بررسی‌های صورت گرفته از حضور عده‌ای با توقعات خاص، جلوگیری کردیم. در این زمینه اتاق فکر و کارگروه طرح و برنامه تشکیل شد. در مجموع بیش از ۴۰۰ طرح و برنامه دریافت شد که پس از بررسی‌های لازم در نهایت ۱۲۰ طرح به تایید رسید. در این دوره از نمایشگاه طرح‌های بسیار سودمند و پویا اجرا می‌شود.

حضور چهره‌های برجسته جهانی

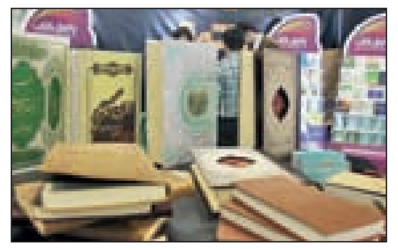

امسال در نمایشگاه قرآن کریم، چهره‌هایی برجسته از کشورهای اسلامی مانند مالزی، ترکیه، روسیه، آذربایجان، عراق و... حضور دارند که درطول برگزاری نمایشگاه با چهره‌های فرهیخته قرآنی ایران در این زمینه به بحث و تبادل نظر خواهند پرداخت. علاوه بر این، چهار تحریریه مستقل تولید محتوا در بخش بین‌الملل فعال خواهد بود که نتیجه فعالیت آنها علاوه بر انعکاس روی سایت‌ها، به‌صورت فیزیکی منتشر خواهد شد. در این زمینه همچنین مجلاتی به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو و ترکی آذربایجانی منتشر می‌شود.

حضور رییس جمهور و تجلیل از خادمان قرآنی

همزمان با این دوره از نمایشگاه بین‌المللی قرآن، بیست و سومین دوره انتخاب خادمان قرآن کریم، همزمان با ۱۵ رمضان سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع) و با دعوت از رییس جمهور برگزار می‌شود. در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی قرار داریم و برخی فعالیت‌های بخش‌های مختلف نمایشگاه به این جنبه اختصاص دارد. در این راستا از چهره‌های برجسته انقلاب اسلامی که نقش مهمی در به ثمر رسیدن انقلاب ایفا کرده و امروز به دیار باقی شتافته‌اند در غرفه‌ای خاص تجلیل و آثاری نیز در این زمینه رونمایی می‌شود. همچنین غرفه‌ای به فعالیت‌های معاونت قرآن و عترت به عنوان یکی از دستاوردهای ملموس قرآنی جمهوری اسلامی ایران اختصاص می‌یابد.

تنوع گسترده موضوعی

آن‌گونه که مسوولان برگزاری نمایشگاه می‌گویند، امسال، جنبه فروشگاهی بر جنبه علمی و محتوایی غلبه دارد، ولی سعی بر این است که این جنبه‌ها بر جنبه فروشگاهی ارجحیت و غلبه داشته باشد. نمایشگاه قرآن کریم، عرصه ارایه توانمندی‌ها و جشنواره بزرگ فعالیت‌های مختلف قرآنی در جمهوری اسلامی است.

با ۵ هزار تومان هم می‌توانید
میزبان افطار ۳۰۰۰ نفر باشید!
#سهم_من_از_بندگی

در موسسه خیریه کهریزک، ۳۰۰۰ نفر سالمند، معلول
بیمار ام.اس و کودک مبتلا به اتیسم زندگی می‌کنند

جهت مشارکت؛ کد زیر را وارد نمایید:

*۷۸۰*۶۵#

موسسه خیریه کهریزک
مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان
غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی
www.kahrizak.com

خبر ویژه

میزبانی اصفهان در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان دایمی شد

جشنواره کودک؛ سرمایه‌ای که به ثبات نیاز دارد

بر اساس تفاهمنامه منعقدشده، میزبانی اصفهان در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان دایمی شد. به گزارش اداره ارتباطات رسانه‌ای شهرداری اصفهان و به نقل از روابط عمومی سازمان امور سینمایی سازمان امور سینمایی، سمعی و بصری، آیین امضای تفاهم‌نامه برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان میان محمدمهدی حیدریان، رییس سازمان سینمایی و قدرت‌الله نوروزی، شهردار اصفهان در سالن تشریفات سازمان سینمایی برگزار شد. در این جلسه همچنین تفاهمنامه الحاقیه بین شهردار اصفهان و علیرضا تابش، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی مبادله شد که بر اساس آن، تاریخ برگزاری سی‌ویکمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان، ۸ تا ۱۴ شهریورماه سال جاری تعیین شد. بنابر این گزارش، رییس سازمان سینمایی در سخنانی، ضمن ابراز رضایت و خرسندی از برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان در اصفهان گفت: جشنواره‌های مهم جهان را به نام شهر می‌شناسند و برگزاری این جشنواره‌ها در شهرهای دیگر منطقی ندارد، مگر به دلایلی خیلی خاص که امیدواریم اتفاق نیفتد. این مدیر ادامه داد: جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان باید به عنوان سرمایه اصفهان جا بیفتد و از این بابت نیاز به ثبات، آرامش و اعتماد داریم و امیدواریم بتوانیم سال‌به‌سال جشنواره را باشکوه‌تر برگزار و اصفهان را علاوه بر محل دایمی برگزاری جشنواره، به عنوان پایگاه تولید محصولات سینمایی معرفی کنیم و با همین رویکرد، این توافق دایمی شد. محمدمهدی حیدریان افزود: امیدواریم در این دوره با حمایت شهرداری اصفهان در یک هم‌افزایی مناسب در حوزه فیلم و فیلمسازی کودک، بتوانیم پایگاه جشنواره فیلم کودک و نوجوان را در اصفهان حفظ کنیم. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه با اعلام اینکه ما به‌واسطه سینما به دولت، تعهد و برنامه داده‌ایم که ارزآور باشیم، خاطرنشان کرد: از امسال باید سینمای ایران را با شتاب در عرصه بین‌الملل صاحب بازار کنیم و فیلم‌هایی با مخاطب کودک و نوجوان خصوصا انیمیشن از عرصه‌های مهم در این زمینه است. هر اقدام در حوزه سینمای کودک هم باید با نشانه‌گیری بین‌المللی باشد و از این رویکرد حمایتی کنیم.